

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۵-۹۶

رشته‌های فلسفه، کلام، تفسیر، تاریخ، اخلاق، مهدویت، امامت و ادبیات عرب ورودی مهر ۹۴

صنوبری:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۴	مست‌انگونی: ۷۰ دقیقه
غریض‌نوبری:	ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۶	مست‌انگونی: ۸۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حرف

مهر مدرسه

کد آزمون:	۳۹۵۱/۱۱
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۳
عنوان:	اصول فقه ۳
کتاب:	اصول الفقه مرحوم مظفر
موضوع:	جلد سوم و چهارم: از ابتدای «المقصد الثالث: مباحث الحجّه» تا ابتدای «الباب الخامس: حجّه الظواهر» (ص ۱۴۲-۷) به استثنای ۱. مباحث مقدمات دلیل انسداد تا ابتدای کتاب العزیر (ص ۵۲-۳۲) ۲. مبحث دلیل حجیت خیر الواحد من الاجماع (ص ۹۶-۸۹) ۳. بحث الباب الثالث الاجماع (ص ۱۲۵-۱۰۱)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- خروج اماره از آیات شریفه «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس: ۳۶) و «قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ» (یونس: ۵۹) به ترتیب

..... / ۰.۵

مصادق کدام مورد است؟ ص ۱۹

- الف. تخصص - حکومت
- ب. تخصیص - تخصص
- ج. تخصص - تخصیص
- د. حکومت - تخصیص

۲- فعل و ترک فعل از جانب معصوم علیه السلام در صورت تجرد از قرینه، به ترتیب بر چه چیزی به صورت قطعی دلالت می‌کند؟ ص ۶۶

..... / ۰.۵

- الف. وجوب - عدم وجوب
- ب. استحباب - کراهت
- ج. جواز - عدم وجوب
- د. وجوب - حرمت

۳- مصنف استدلال به آیه «نبأ» بر حجیت خبر واحد را از چه طریقی در اثبات مطلوب کافی می‌داند؟ ص ۷۶

..... / ۰.۵

- الف. مفهوم شرط
- ب. مفهوم وصف
- ج. مفهوم غایت
- د. مفهوم لقب

۴- با توجه به نظر عقلاء در باب خبر واحد ثقه، آیا عموم آیات ناهیه از اتباع ظن، شامل این قبیل اخبار می‌شود؟ چرا؟ ص ۹۹

..... / ۰.۵

- الف. بله؛ چون این اخبار، ظن آور هستند.
- ب. خیر؛ چون این اخبار تخصصاً خارج‌اند.
- ج. خیر؛ چون این اخبار تخصیصاً خارج‌اند.
- د. خیر؛ چون به نظر عرف، آن آیات مجمل‌اند.

۵- مراد از «مستقلات عقلیه» چه قضایایی هستند؟ ص ۱۳۷

..... / ۰.۵

- الف. المقبولات و المسلمات
- ب. الاولیات و الفطریات
- ج. الآراء المحمودة
- د. الاستقرائیات

۶- نظر مرحوم مظفر (ره) درباره نسبت بین استحقاق مدح و ذم با استحقاق ثواب و عقاب چیست؟ ص ۱۴۱

..... / ۰.۵

- الف. اولی مستلزم دومی است.
- ب. اولی اخص از دومی است.
- ج. اولی اعم از دومی است.
- د. اولی عین دومی است.

۷- اماره را تعریف نمایید. آیا اصطلاح اماره شامل اصول عملیه می‌شود یا خیر؟ با ذکر دلیل بنویسید. ص ۱۴ و ۱۷ - ۲ نمره

..... / ۲

جواب: در تعریف اماره گفته شده: «کل شیء یثبت متعلقه و لایبلغ درجة القطع» یعنی اماره دلیلی است که به لحاظ حکایت و کاشفیت ظنی آن از واقع، معتبر دانسته شده است؛ بدین معنا که ظن نوعی برآمده از اماره، هم‌چون علم، حجت شمرده شده است؛ البته با این تفاوت که حجیت علم، ذاتی است، لیکن حجیت ظن، جعلی و اعتباری است. (۱ نمره)

اصطلاح اماره شامل اصول عملیه نمی‌شود زیرا اماره به لحاظ حکایت و کشف از واقع هر چند به طور ناقص، حجت است، در حالی که در حجیت اصل، حیث کاشفیت آن از واقع لحاظ نشده است. به عبارت دیگر اصول عملیه در مقام اثبات و کشف واقع نیستند بلکه صرفاً برای رفع تحجیر و بلا تکلیفی مکلف در مقام عمل راه‌گشا هستند. و نهایتاً سبب معذور بودن مکلف در صورت ابتلاء به خلاف واقع هستند. (۱ نمره)

۸- عبارات «ولكن في الحقيقة ان التعبير بوجوب متابعة القطع لا يخلو عن مسامحة ظاهرة منشؤها ضيق العبارة عن المقصود اذ يقاس على

الظن» را با ذکر دلیل تبیین کنید. ص ۲۴ - ۲ نمره

۲

جواب: حقیقت آن است که در عبارت «وجوب پیروی از قطع» نوعی تسامح و سهل انگاری وجود دارد، که منشأ آن نارسائی عبارت از رساندن مقصود است. و از قیاس قطع به ظن ناشی شده است. و آن اینکه اساساً برای قطع نمی توان پیروی و تبعیت مستقلی در نظر گرفت، جز اخذ به واقعی که به آن قطع پیدا کرده ایم، چه رسد به اینکه این متابعت، وجوب مستقلی غیر از وجوب اخذ به واقع مورد قطع، داشته باشد، یعنی وجوب اطاعت از حکم واقعی که توسط قطع معلوم و آشکار شده است. خواه آن حکم، وجوب باشد یا حرمت، یا حکم دیگری. زیرا بعد از آشکار شدن واقع دیگر چیزی باقی نمی ماند که شخص در انتظارش باشد. پس هرگاه واقع آشکار و معلوم شد باید آن را گرفت و بدان عمل کرد. (رساندن مفهوم کافی است.)

۹- با توجه به عبارت «إن ما أثبتته الله من الأحكام لابد أن يكون لمصلحة أو مفسدة في متعلق الحكم و ما له مصلحة في ذاته لا ينقلب فيكون ذا مفسدة و إلا لزم انقلاب الحسن قبيحاً و القبيح حسناً» دلیل استحاله‌ی نسخ و پاسخ مصنف (ره) به آن را بنویسید. ص ۵۷ و ۵۸ - ۲

۲

جواب: دلیل استحاله‌ی نسخ: احکام تابع مصالح و مفاسدی هستند که در متعلقات آنها وجود دارد و اگر چیزی دارای مصلحتی بود و امر به آن تعلق گرفت، ممکن نیست که امر به آن نسخ شود زیرا مصلحت آن قابل تغییر نیست و اگر مصلحت آن تغییر یابد معنایش این است که آن فعل حسن تبدیل به فعلی قبیح شود (یا اگر آن عمل دارای مفسده بوده و از آن نهی شده است، ممکن نیست که دارای مصلحت شود یعنی عمل قبیح تبدیل به حسن شود و نهی از آن نسخ شود) پس از آنجایی که نسخ مستلزم تبدیل و انقلاب است و این تبدیل محال است، پس نسخ هم محال است. (۱ نمره)

پاسخ مصنف: اگر مصلحت و مفسده‌ای که در متعلق احکام است ذاتی آنها باشد، تبدیل آن احکام محال است ولی مصالح و مفاسدی که به تبع حالات و زمان‌های مختلف پیش می آید، به راحتی قابل تغییر است و هیچ استحاله‌ای ندارد یعنی عملی در زمان خاصی دارای مصلحتی بوده و به آن امر شده است و آن عمل در زمان دیگری مصلحتش را از دست داده و نسخ شده است. (۱ نمره) (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۰- تقریر معصوم را همراه با شرایط حجیت آن بیان کنید. ص ۷۰ - ۲ نمره

۲

جواب: تقریر معصوم این است که کسی در محضر معصوم، عملی را انجام دهد و معصوم نیز متوجه آن عمل بشود و نیز بتواند خطای فاعل را متذکر شود یعنی هم زمان کافی برای تذکر باشد و هم مانعی از قبیل خوف و تقیه و یأس از تأثیر تذکر در بین نباشد با وجود همه این شرایط باز هم معصوم فعل را ببیند ولی تذکری ندهد. این است تقریر معصوم و شرایط آن. (رساندن مفهوم کافی است. نیازی به نوشتن عین عبارات نیست.)

۱۱- دلالت آیه شریفه «فَلَوْلَا نَفْرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲) بر وجوب اجتهاد را تبیین نمایید. ص ۸۴ و ۸۵ - ۱ نمره

۱

جواب: این آیه دال بر وجوب تفقه در دین به طور عموم است و از آنجایی که مصداق تفقه در این زمان با اجتهاد محقق می شود، تلاش عده‌ای برای تفقه و اجتهاد در دین، از واجبات می باشد. (رساندن مفهوم کافی است.)

۱۲- برخی با توجه به قضیه «ان الاحكام سمعية لا تدرک بالعقول»، حجیت عقل را نفی می کنند، مرحوم مظفر (ره) با چه تبیینی، سخن آنها را بر حق می داند؟ توضیح دهید. ص ۱۳۳ و ۱۳۴ - ۲ نمره

۲

جواب: اگر قائل شویم به اینکه مراد از عقل، عقل نظری است ابتداءً بدون استعانت از ملازمه، در این صورت به دلیل اینکه احکام الهی توفیقی هستند و از اولیات و محسوسات و تجربیات و... نیستند نمی توان به آنها بدون طریق سماع علم پیدا نمود (حکم این موارد مانند دیگر مجعولات بشری است) و از طرفی عقل نمی توان به ملاکات احکام نیز دست پیدا کند در نتیجه اگر مراد از نفی حجیت عقل، نفی استقلال عقل نظری از ادراک احکام و ملاکات باشد، این سخن درستی است.

* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می باشد:

۱۳- شبهه «أن الواجب أن تنفر من كل فرقة طائفة، و الطائفة ثلاثة فأكثر، و حينئذ لا تشمل آية النفر خبر الشخص الواحد أو الاثنین» را تبیین نموده و پاسخ آن را بنویسید. ص ۸۳ و ۸۴ - ۲ نمره

۲

جواب: آنچه در آیه شریفه واجب شده این است که از هر گروه یک طائفه کوچ کنند و طائفه شامل سه نفر و بیشتر می شود لذا آیه شامل خبر یک نفر یا دو نفر نمی شود؛ پس آیه بر حجیت خبر واحد دلالت نمی کند. (۵/۰ نمره)

پاسخ اشکال: [آنچه در حجیت خبر واحد مهم است این است که وقتی افراد برای انذار برگشتند و خبر آوردند چه تعداد باشند تا خبر آنان حجت باشد و آیه نفر دلالت نمی کند بر اینکه واجب است هنگامی که برگشتند به صورت دسته جمعی انذار کنند به این صورت که «اجتماع» شرط صحت و قبول انذار باشد؛ بلکه آیه از این جهت مطلق است و به جهت اطلاق، خبر واحد را نیز شامل می شود یعنی عموم آن افرادی است نه مجموعی. (۵/۱ نمره)